

## پیش‌داوری قومیتی و سازگاری اجتماعی در تعاملات ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی و دوستی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱/۱۸

صدیقه خالدی<sup>۱</sup>

فاطمه باقریان<sup>۲</sup>

محمود حیدری<sup>۳</sup>

### چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف بررسی پیشداوری قومیتی و سازگاری اجتماعی در تعاملات ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی و دوستی انجام شد.

**روش:** در این مطالعه ۲۴۰ دانشجوی متعلق به ۴ قوم ترک، فارس، کرد و لر از دانشگاه شهید بهشتی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس انتخاب شد. به منظور سنجش متغیرهای پژوهش از دو پرسشنامه سازگاری بل (زیرمقیاس سازگاری اجتماعی) و پرسشنامه پیشداوری، الهام‌گرفته از پرسشنامه فاصله اجتماعی بوگاردوس استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون‌های t، رگرسیون، یومن-ویتنی، فریدمن، و ویلکاکسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج کلی دلالت بر تاثیر عامل قومیت بر پیش‌داوری دارد. به عبارتی، همه اقوام در تعاملات ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی و دوستی قومیت خود را به سایر اقوام ترجیح داده و همچنین نسبت به قوم فارس در مقایسه با سایر اقوام پذیرا تر هستند. این پیشداوری در مورد ازدواج نسبت به سایر موقعیت‌ها محسوس‌تر و در مورد دوستی از همه موارد کمتر بود. همچنین از بین متغیرهایی نظیر مدت زمان معاشرت، سازگاری اجتماعی و جنسیت، تنها عامل جنسیت می‌تواند پیش‌بینی‌کننده معناداری برای پیشداوری باشد.

**واژه‌های کلیدی:** پیشداوری، سازگاری، قومیت، تعاملات، ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی، دوستی.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ [s.kh\\_psychology@yahoo.com](mailto:s.kh_psychology@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه شهید بهشتی

## **Ethnic prejudice and social adjustment regarding marriage, neighborhood, co-working and friendship**

**Khaledi, S.  
Bagherian, F.  
Heidari, M.**

### **Abstract**

**Introduction:** The purpose of this study was to investigate of ethnic prejudice and social adjustment regarding marriage, neighborhood, co-working and friendship.

**Method:** In this study 240 students participated who were from four ethnic groups: Tork, Fars, Kord, and Lor from shahid beheshti university according to convenience. They were 30 men and 30 women from each ethnicity. Participants answered Bell Adjustment Scale (social adjustment subscale) and prejudice questionnaire. Both of the tools have high degrees of validity and reliability. Data were analyzed through using t-test, regression, U mann-whitney test, Friedman and Wilcoxon.

**Results:** Results of the study show that all ethnic groups prefer their ethnic groups in marriage, neighborhood, co-working and friendship. In addition, participants of this study showed less prejudice to Fars people compared to other ethnic groups. The highest prejudice was expressed in marriage and the least prejudice was found in friendship. Regression analyze showed among the factors of communication, social adjustment and sex, only sex factor could predict prejudice.

**Keywords:** Ethnicity, Prejudice, Social Adjustment, Marriage, Neighborhood, Co-working, Friendship

## مقدمه

نگرش ما نسبت به اعضای سایر گروه‌ها و قوم‌ها، از باورهای ما درباره آن‌ها شکل می‌گیرد. وقتی همه این باورها را قبول داریم و آن‌ها را در مورد ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای یک گروه از افراد به کار می‌بریم، از تصورات قالبی صحبت می‌شود. تصورات قالبی نیز گرایش به پیشداوری را تسهیل می‌کنند. پیشداوری موجود بین گروه‌ها در ارتباط با جنس، نژاد، و قومیت در پژوهش‌های علمی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج تحقیقات دلالت بر این دارد که تعامل و ارتباطات افراد موجب کاهش پیشداوری‌ها می‌شود. در نتیجه انتظار می‌رود که گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، افزایش رفت و آمد بین شهرها، همکاری نزدیک قشرهای مختلف مردم در سازمان‌ها و به خصوص بازارها، موجب تعامل بیشتر افراد گروه‌های مختلف شده و جامعه را در جهت کاهش پیشداوری‌ها جهت دهد (بدار<sup>۱</sup>، دزیل<sup>۲</sup>، لامارش<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). بنابراین، بسیار لازم و ضروری است که پیشداوری درباره‌ی اقوام مختلف ایران مورد مطالعه قرار گیرد. امروزه انتظار می‌رود که تصورات قالبی تهرانی‌ها درباره شهرستانی‌ها، و متقابلاً تصورات قالبی ساکنین شهرستان‌ها در مورد تهرانی‌ها، مثل دهه‌های قبل نباشد و پیشداوری کمتری را شاهد باشیم. در حال حاضر، دانشجویانی که در دانشگاه‌های ایران به تحصیل اشتغال دارند، از دورترین شهرها می‌آیند، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و تصورات قالبی آن‌ها بر اثر تماس مستمر در یک دوره زمانی حداقل دو ساله احتمالاً تغییر می‌کند؛ و این تغییر اغلب در جهت کاهش پیشداوری‌های منفی است.

تعارض بین‌گروهی در همه سطوح سازمان‌های اجتماعی، از عدم توافق بین گروه‌ها و ایجاد بحث و درگیری کلامی در موقعیت‌های متنوع ارتباطی انسان‌ها تا آشوب‌های ناشی از تعارضات در روابط نژادی و تعارض بین ملت‌ها رخ می‌دهد. از آن‌جا که تعارض بین گروه‌ها یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های مورد مطالعه دانشمندان علوم اجتماعی است، درک بهتر این پدیده و کشف راه‌های کاهش تنش توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. بنا به نظر سامنر<sup>۴</sup> (۱۹۰۶) تفکیک افراد به صورت طبقه‌ها باعث می‌شود افراد، گروه خودی را مطلوب‌تر از گروه غیرخودی طبقه‌بندی کنند. در سطح گروه، این گرایش را سوگیری گروه خودی- غیرخودی می‌نامند. طبقه‌بندی گروه‌ها باعث به وجود آمدن انتظاراتی نسبت به اعضای گروه خودی و غیرخودی می‌شود. این انتظارات بر افکار قالبی استوارند (به نقل از فورسایت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰).

روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که تصورات قالبی به معنای تعمیم درباره گروهی از افراد براساس خصیصه‌هایی همانند است، که برای همه اعضای آن گروه، صرف‌نظر از تفاوت عینی در میان اعضاء به نحوی اجتناب‌ناپذیر فرض می‌شود؛ به عبارتی قالبی‌سازی را شناخت برحسب

<sup>۱</sup> Bedar

<sup>۲</sup> Dezel

<sup>۳</sup> Lamarche

<sup>۴</sup> Sumner

<sup>۵</sup> Forsyth

کلیشه‌های ذهنی می‌دانند (ارونسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ به نقل از نظری، ۱۳۹۱). استفاده از تصورات قالبی در طبقه‌بندی اجتماعی یک میان‌بر ذهنی است که افراد را قادر می‌سازد مطالب زیادی را درباره شخص یا گروهی از افراد، صرف‌نظر از اینکه آن دانش درست یا غلط باشد بپذیرند. محتوای این تصورات قالبی آن است که اعضای برخی گروه‌ها دارای خصلت‌های معینی هستند (آذربایجانی، ۱۳۸۲). درحالی‌که از نظر فورسایت (۱۹۹۰) پیشداوری، دوست داشتن یا بیزاری از افراد به دلیل عضویت آنان در یک گروه اجتماعی است که معمولاً بیشتر به سوگیری منفی اشاره دارد. به عبارتی شکل‌گیری تصورات قالبی نتیجه تلاش سیستم شناختی فرد برای ادراک و سامان دادن به اطلاعات است، این باورها مسیر را برای پیشداوری هموار می‌کند و در نهایت ممکن است منجر به رفتارهای تبعیض‌آمیز می‌شود.

افکار قالبی به شناخت ما از دیگران کمک می‌کند و به بعد شناختی روان انسان تعلق دارد، اما پیشداوری از بعد عاطفی آن نشأت می‌گیرد. پیشداوری نیز، مثل هر نگرش دیگر، می‌تواند از باورهای ارزشی ما، از جمله تصورات قالبی درباره یک گروه دیگر، نشأت بگیرد. اما اتفاق می‌افتد که پیشداوری، قبل از باورهای ارزشی به وجود آید. در این حالت پیشداوری تنها براساس اطلاع از وجود یک گروه، مستقل از شناخت ویژگی‌های آن پایه‌ریزی می‌شود؛ البته این موارد استثنایی است. برعکس، بسیاری کسانی که نسبت به گروهی که حتی یکی از اعضای آن را ندیده‌اند، براساس باورهای منفی نسبت به آن‌ها، پیشداوری دارند. حتی اگر مطالعات انجام شده وجود پیشداوری‌های مهم در بین جمعیت را نشان ندهد، نگرش ابراز شده، دست‌کم می‌تواند سلسله مراتب گروه‌های قومی را، از محبوب‌ترین به مطرودم‌ترین، تعیین کند (بدار و همکاران، ۱۹۹۹).

اولین بار کتز<sup>۲</sup> و برلی<sup>۳</sup> (۱۹۳۳) با اشاره به تقسیم‌بندی خودی-غیرخودی به این یافته مهم اشاره کردند که افراد معمولاً گروه خودی را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند. اگرچه تعارض بین گروه‌ها از منابع متعدد سرچشمه می‌گیرد، سه عامل کلیدی به طور معمول در ایجاد این تنش‌ها عنوان می‌شوند. یکی از قدیمی‌ترین نظریات درباره پیشداوری و تبعیض، نظریه تعارض واقع‌بینانه<sup>۴</sup> کمپل<sup>۵</sup> و لوین<sup>۶</sup> (۱۹۶۵) است. براساس این نظریه تعارض بین گروه‌ها ناشی از رقابت بر سر مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و بر سر منابع محدودی مانند شغل، مسکن و دسترسی به امکانات آموزشی مناسب است. تحقیقات بسیاری که در این زمینه انجام شده است وقوع برخی از جوانب این فرایند را تایید می‌کنند که مطالعه معروف شریف<sup>۷</sup> (۱۹۶۷) از جمله آن‌هاست. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه رقابتی معقول در مورد منابع کمیاب، به سرعت به تعارض تمام‌عیار تبدیل می‌شود و در چنین وضعیتی،

<sup>۱</sup> Aronson

<sup>۲</sup> Katz

<sup>۳</sup> Braly

<sup>۴</sup> Realistic Conflict Theory

<sup>۵</sup> Campbell

<sup>۶</sup> Lewin

<sup>۷</sup> Sherif

نگرش‌های منفی که هسته مرکزی پیشداوری را تشکیل می‌دهند رواج می‌یابند. نتایج آزمایشگاهی و میدانی نشان می‌دهد که گروه‌های رقیب تمایل دارند تا یکدیگر را مورد توهین، تحقیر و کلیشه‌سازی قرار دهند (گرینبری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ به نقل از نظری<sup>۱</sup>، ۱۳۹۱). علاوه بر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با جدی‌تر شدن رقابت، نگاه افراد درگیر به یکدیگر به صورت فزاینده‌ای منفی می‌شود. در این وضعیت، اعضای گروه گرایش دارند که مرزهای میان خود و دیگری را مستحکم کنند، گروه‌های دیگر را کوچک بشمرند و به فرادستی خود ایمان آورند (آذربایجانی، ۱۳۸۲).

نظریه هویت اجتماعی (تاجفل<sup>۲</sup> و برویر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۲) به عنوان نظریه مسلط در پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، بر نقش بنیادین هویت‌های متنوع اجتماعی نظیر جنسیت، ملیت، طبقه اجتماعی، قومیت و نژاد تأکید می‌کند که در موقعیت‌های گوناگون برجسته می‌شوند و بر قضاوت اجتماعی و رفتار تأثیر می‌گذارند. نظریه هویت اجتماعی، نقش موقعیت را در ترسیم استنباط یک یا چند هویت اجتماعی بیشتر از دیگران برجسته می‌کند و از این طریق اهمیت تعامل میان فرد و موقعیت را برجسته می‌سازد. یکی از مباحث محوری در نظریه هویت اجتماعی این است که طبقه‌بندی اجتماعی، انگیزه‌ای اساسی به نفع رقابت اجتماعی میان گروهی ایجاد می‌کند. زمانی که طبقات اجتماعی شکل بگیرد افراد برای هویت اجتماعی مثبت تلاش می‌کنند و این به نوبه خود موجب رقابت میان گروهی می‌شود. با تداوم نگاه مثبت افراد به گروه خودی در مقایسه با گروه غیرخودی، سوگیری‌های ادراکی و الگوهای رفتاری تبعیض‌آمیز پدید می‌آید. اعضای گروه خودی تمایل دارند تمایزی ایجابی از اعضای گروه غیرخودی ایجاد کنند (به نقل از نظری، ۱۳۹۱).

نظریه بین گروهی، اخیراً بسط و توسعه یافته است. این نظریه، رهیافتی امتزاجی است که نظریه هویت اجتماعی، نظریه شناخت-توسعه‌گرا، و برخی یافته‌های تجربی را با هدف فهم نگرش‌های قومی درهم ادغام کرده است. طبق این نظریه، تقسیمات درون گروهی در صورتی توسعه می‌یابد که بعد اجتماعی از حیث روان‌شناختی با اهمیت شود. چهار مولفه مرتبط با این اهمیت‌یافتگی ابعاد روان‌شناختی که به شدت بر نوع رفتار با اقوام دیگر تأثیر می‌گذارند عبارتند از: اهمیت ادراکی گروه‌ها، اندازه برابر گروه، طبقه‌بندی آشکار عضویت گروهی، و احساس تمایز ضمنی. طبقه‌بندی برحسب عضویت گروه خودی موجب احساس نوعی شباهت و همانندی در میان اعضا می‌شود و افرادی که درون یک گروه هستند به این همانندی شناخت پیدا می‌کنند. اعتماد نه در ارتباط با گروه‌های غیرخودی، بلکه در ارتباط با گروه‌های خودی رشد می‌یابد. گسترش اعتماد، توجه و احترام، همکاری و همدلی با اعضای گروه و نه اعضای بیرون از گروه، رشد می‌یابد. اعضای گروه شکل اولیه تبعیض را بر پایه جانبداری گروهی تا ابعاد فعالانه تهاجم و اهانت به گروه‌های دیگر پی‌ریزی می‌کنند (بیگلر<sup>۴</sup> و لیبن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ به نقل از نظری، ۱۳۹۱).

<sup>1</sup> Greenbury

<sup>2</sup> Tajfel

<sup>3</sup> Brewer

<sup>4</sup> Bigler

مروری بر تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی مختلفی با پیش‌داوری رابطه دارند. یکی از این عوامل سازگاری است. ممکن است سازگاری پایین به عنوان یکی از پیامدهای پیش‌داوری مطرح شود، در این صورت به نظر می‌رسد کسانی که از قضاوت‌های ذهنی پرهیز می‌کنند از نظر هیجانی و ذهنی دارای انعطاف بیشتری هستند و این افراد در مواجهه با موقعیت‌های مختلف می‌توانند سازگاری بیشتری داشته باشند. تصمیم‌گیری درست و اتخاذ تصمیم مناسب، مستلزم اطلاعات درست و درک واقع‌بینانه از موقعیت و سخنان فرد مقابل است. پرهیز از پیش‌داوری باعث می‌شود با درک درست از موقعیت‌ها، تصمیم و واکنش مناسبی را اتخاذ نماییم. افرادی که قضاوت‌های کم‌تری دارند، از بهداشت روانی بهتر و آرامش فکری بیشتری برخوردار هستند؛ در حالی که قضاوت‌های گسترده در مورد دیگران، آرامش فرد را به مخاطره می‌اندازد. از طرف دیگر شاید پیش‌داوری، خود از سازگاری پایین به وجود آمده باشد (داویدیو<sup>۲</sup>، گرتر<sup>۳</sup>، سیگای<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). آنچه در این پژوهش موردنظر است پیدا کردن رابطه علت و معلولی بین سازگاری و پیش‌داوری نیست، بلکه صرفاً سازگاری را به عنوان یکی از عوامل تعدیل‌کننده مورد بررسی قرار داده‌ایم و سعی داریم میزان همبستگی این دو متغیر را به دست آوریم.

امروزه موضوع چندقومیتی بودن جمعیت یک کشور، موضوعی با اهمیت و اساسی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، ملی و اقتصادی تلقی می‌شود. کشورهایی که دارای کثرت و تنوع قومی در ساختار جمعیتی خود هستند، همواره ایجاد اتحاد و انسجام بین اقوام را به منظور یکپارچه‌سازی سرزمینی و ملی و افزایش قدرت دولت‌های مرکزی کانون توجه خود قرار می‌دهند (گودرزی، ۱۳۸۴)؛ چرا که در ارتباطات ویژه ملت و اقوام، دارا بودن یک هویت قومی خاص در کنار داشتن یک شاکله و هویت ملی، می‌تواند هویت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. تنش‌های شدیدی که در کشورهای چندقومیتی نظیر عراق، سوریه، افغانستان و ... به چشم می‌خورد و مسایلی از قبیل فروپاشی شوروی سابق و تبدیل آن به جمهوری‌های کوچک متشکل از قومیت‌های مختلف می‌تواند گواهی بر این ادعا باشد. استقلال‌طلبی و تلاش‌های برخی از اقوام برای جدایی از حکومت‌های مرکزی و تشکیل حکومت مستقل، نیز دلیل دیگری بر این مدعا می‌تواند باشد (باقریان، حیدری، خضریان، ۱۳۸۹).

ایران از جمله کشورهایی است که از تنوع قومی در ساختار جمعیتی خود برخوردار است؛ و این تنوع قومی تعامل و رابطه بین آن‌ها را ناگزیر می‌سازد. از سویی دیگر باورها و پیش‌داوری‌های موجود بین اقوام، در چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر تأثیرگذار است؛ به گونه‌ای که می‌تواند مانع تعاملات اجتماعی نظیر ازدواج، همکاری، دوستی، و یا همسایگی بین آن‌ها شود. پویایی و انسجام جامعه بر پایه روابط میان‌گروهی شکل می‌گیرد. شناخت عوامل موثر بر شکل‌گیری و دوام پیش‌داوری‌ها می‌تواند از اثرات منفی و سوء آن کاسته، منجر به پیشرفت و توسعه جامعه شود.

<sup>1</sup> Liben

<sup>2</sup> Dovidio, J. F

<sup>3</sup> Geartner, S. L

<sup>4</sup> Saguy, T

با توجه به مقدمه‌ای که گفته شد در این پژوهش سعی بر آن است تا این فرضیه اصلی بررسی شود که آیا قومیت‌های مختلف در رابطه با ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی، و دوستی قومیت خود را به قومیت‌های دیگر ترجیح می‌دهند و نسبت به قومیت‌های دیگر پیشداوری بیشتری دارند. به علت دشواری بررسی این پدیده در جمعیت عادی، تنوع قومی موجود بین دانشجویان و امکان دسترسی بهتر به شرکت‌کنندگان، دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی به عنوان شرکت‌کننده انتخاب شدند. هدف از انجام این پژوهش بررسی پیشداوری و سازگاری بین قومیت‌های مختلف ایرانی (ترک، فارس، کرد و لر) در روابط ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی، و دوستی در دانشجویان است.

## روش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی<sup>۱</sup> است که از رایج‌ترین روش‌های تحقیق در علوم انسانی به شمار می‌رود. پیمایش، روشی است برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها، انگیزه‌ها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۷). جامعه آماری در این پژوهش تمام دانشجویان متعلق به چهار قوم فارس، ترک، کرد، و لر ساکن در ایران می‌باشد، که در دانشگاه شهید بهشتی مشغول به تحصیل هستند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، هدفمند در دسترس است. به این صورت که از بین دانشجویان خوابگاهی، از هر قومیت، ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) انتخاب شد، و به این ترتیب کل نمونه ۲۴۰ نفر می‌باشد (در خوابگاه دانشجویانی از همه قومیت‌های مورد نظر حضور دارند). سپس داده‌ها و نتایج به دست آمده با یکدیگر مقایسه شدند.

## ابزار پژوهش

**مقیاس پیشداوری:** مقیاس پیشداوری در این پژوهش از مقیاس فاصله اجتماعی بوگاردوس الهام گرفته شده است. در سال ۱۹۲۵ مقیاسی توسط بوگاردوس ساخته شده است که با آن می‌توان نشان داد، یک شخص تا چه اندازه فاصله اجتماعی بین خود و افراد اقوام دیگر را نگه می‌دارد یا نگه نمی‌دارد (بدار و همکاران، ۱۹۹۹).

این پرسشنامه حاوی ۱۶ ماده می‌باشد که پیشداوری را در چهار موقعیت ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی و دوستی می‌سنجد. پاسخ پرسش‌ها به صورت لیکرت تنظیم شده است و بارم‌بندی گزینه‌ها به گونه ذیل می‌باشد: کاملاً موافقم<sup>۱</sup>، موافقم<sup>۲</sup>، نظری ندارم<sup>۳</sup>، مخالفم<sup>۴</sup>، و کاملاً مخالفم<sup>۵</sup>. به همراه سوالات مندرج در پرسشنامه، چند سوال ضمیمه برای روشن شدن خصوصیات جمعیت‌شناختی به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، جهت بررسی تاثیر برخی متغیرها نظیر جنسیت، تعلق به قوم خاص و میزان تحصیلات نیز اضافه شد. پایایی مقیاس براساس آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۰ به دست آمد، که بیانگر همسانی درونی و پایایی قابل قبول است.

<sup>۱</sup> Survey

**سازگاری اجتماعی:** در این پژوهش برای اندازه‌گیری سازگاری شرکت‌کنندگان، از سیاهه سازگاری بل استفاده شده است. سیاهه سازگاری در سال ۱۹۶۱ توسط بل تدوین شد، از یکصد و شصت عبارت تشکیل شده و سازگاری را در پنج زمینه تندرستی، خانواده، اجتماعی، هیجانی و شغلی مورد سنجش قرار می‌دهد. (آقامحمدیان شعریاف، ۱۳۷۴). در پژوهش حاضر با توجه به اینکه تنها زمینه سازگاری اجتماعی مطالعه می‌شود، از مجموع ۱۶۰ سوال فقط ۳۲ سوال آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. اعتبار کل سیاهه، توسط بل ۰/۹۴ برآورده شده و اعتبار هر یک از مولفه‌ها به ترتیب اجتماعی (۰/۸۸)، هیجانی (۰/۹۱)، تندرستی (۰/۸۱)، شغلی (۰/۸۵) و خانواده (۰/۹۱) می‌باشد. در پژوهش حاضر نیز پایایی آزمون با روش آلفای کرونباخ ۹۰٪ محاسبه گردید، که از نظر آماری قابل قبول می‌باشد.

### یافته‌ها

آزمون فریدمن به منظور ارزیابی اینکه آیا تفاوت‌هایی بین رتبه‌های میانگین پیشداوری در تعاملات ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی و دوستی وجود دارد، انجام شد. نتایج در جدول ۱ آمده است. بین چهار رتبه میانگین تفاوت‌هایی وجود داشت ( $\chi^2 = 193.3$ ,  $p = 0.001$ )؛ بنابراین از آزمون ویلکاکسون استفاده شد. نتایج نشان داد که پیشداوری در تعامل ازدواج، به طور معناداری بیشتر از سه تعامل همسایگی، همکاری شغلی و دوستی است ( $p = 0.001$ ). براساس نتایج، پیشداوری در تعاملات همسایگی و همکاری بیشتر از دوستی است ( $p = 0.001$ ). پیشداوری در تعامل دوستی به طور معناداری از سه تعامل دیگر کمتر بود ( $p = 0.001$ ). علاوه بر این نتایج تفاوت معناداری در پیشداوری در تعاملات همکاری شغلی و همسایگی نشان نداد.

جدول ۱- نتایج رتبه‌بندی پیشداوری در تعاملات با استفاده از آزمون فریدمن

| رتبه  |              |
|-------|--------------|
| ۳/۲۷  | ازدواج       |
| ۲/۳۶  | همسایگی      |
| ۲/۳۲  | همکاری شغلی  |
| ۲/۰۵  | دوستی        |
| ۰/۰۰۱ | سطح معناداری |
| ۱۹۳/۳ | $\chi^2$     |

جدول ۲ نتایج آزمون یومن-ویتنی را که به منظور بررسی تفاوت رتبه زنان و مردان در پیشداوری به کار برده شده است را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود تفاوت در همه سطوح پیشداوری به غیر از پیشداوری در همکاری شغلی معنادار است. براساس داده‌های پیشین این

به این معناست که زنان به طور معناداری در موقعیت‌های ازدواج، همسایگی، دوستی و پیشداوری کلی، نسبت به مردان پیشداوری بیشتری دارند. اما این تفاوت در مورد موقعیت همکاری شغلی معنادار نبود.

جدول ۲- نتایج آزمون یومن- ویتنی برای بررسی تفاوت زنان و مردان در پیشداوری

| پیشداوری در ازدواج | پیشداوری در همسایگی | پیشداوری در همکاری | پیشداوری در دوستی | پیشداوری به طور کلی |
|--------------------|---------------------|--------------------|-------------------|---------------------|
| ۵۷۰۳/۵             | ۵۹۱۵/۵              | ۵۶۸۶/۵             | ۶۰۶۳              | ۵۸۶۰/۵              |
| ۰/۰۰۵              | ۰/۰۰۱               | ۰/۰۰۸              | ۰/۰۰۳             | ۰/۰۰۱               |

برای بررسی تفاوت زنان و مردان در سازگاری از آزمون t استفاده شد. نتایج در جدول ۳ آمده است. تفاوت معناداری در زنان و مردان در میزان سازگاری وجود ندارد.

جدول ۳- نتایج آزمون t برای بررسی تفاوت زنان و مردان در سازگاری

| متغیر   | t     | درجه آزادی | سطح معناداری | تفاوت میانگین‌ها | اندازه اثر |
|---------|-------|------------|--------------|------------------|------------|
| سازگاری | ۰/۱۱۸ | ۲۳۸        | ۰/۵۷         | ۰/۰۹             | ۰/۳۲۲      |

جهت پاسخ به این سوال که آیا جنسیت، میزان سازگاری و مدت معاشرت پیش‌بینی‌کننده‌های پیشداوری هستند، از رگرسیون پسروده<sup>۱</sup> استفاده شد. در گام اول متغیر مدت زمان معاشرت از معادله حذف گردید ( $P=0/31$ )، در گام دوم سازگاری حذف شد ( $P=0/07$ )، و در نهایت تنها جنسیت به عنوان پیش‌بینی‌کننده پیشداوری باقی ماند ( $P=0/007$ ). در این مطالعه زن بودن پیش‌بین معنادار است. به عبارتی زنان پیشداوری بیشتری دارند.

جدول ۴- نتایج آزمون رگرسیون پسر و برای پیش‌بین بودن جنسیت

| نام متغیر | B    | انحراف استاندارد | استاندارد Beta | t   | سطح معناداری |
|-----------|------|------------------|----------------|-----|--------------|
| جنسیت     | ۶/۸۵ | ۲/۵۲             | ۰/۱۷۳          | ۲/۷ | ۰/۰۰۷        |

## بحث و نتیجه‌گیری

قومیت و روابط بین آن‌ها از مباحث بسیار مهم و قابل توجه در دنیای امروز است. تحولاتی نظیر جنبش سیاهان در آمریکا، حرکت‌های استقلال طلبانه قومی در بسیاری از کشورهای دنیا، سیر

<sup>۱</sup> Backward

مهاجرت جهانی به ویژه به کشورهای پیشرفته غربی و فروپاشی کشورهای بزرگ چندقومیتی، نظیر یوگسلاوی و شوروی سابق، بحث قومیت و جوامع قومی را در کانون مباحث مربوط به هویت جمعی قرار داده است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که اقوام مختلفی در آن زندگی می‌کنند و در مقاطع تاریخی متعددی به ویژه بعد از شکل‌گیری دولت مدرن و در دوره‌هایی نظیر سقوط رضاشاه و بعد از انقلاب اسلامی با بحران‌هایی مواجه بوده است. اهمیت این قضیه هنگامی روشن می‌شود که بدانیم زمینه‌های چنین بحران‌هایی هم‌چنان در جامعه ایران خودنمایی می‌کنند. ناآرامی‌هایی که در چند سال اخیر در مناطقی مانند خوزستان، کردستان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان رخ داده‌اند مواردی از این دست هستند.

ادراکات و تصورات متقابلی که گروه‌ها از یکدیگر دارند یکی از عوامل تعیین‌کننده در تقویت و یا تضعیف مبانی هویت جمعی است و در چارچوبی کلان در زمره مباحث روانشناسی اجتماعی قرار می‌گیرد. میزان شناخت و نحوه ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آن‌ها با یکدیگر است. این‌که ما دیگران را چگونه مورد فهم و ارزیابی قرار می‌دهیم نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط، دوری‌گزیدن و یا نفی و حتی حذف یکدیگر دارد. اصولاً انسان‌ها در قبال دیگران همان‌گونه رفتار می‌کنند که می‌اندیشند و متأثر از نقش ذهنیت و جهت‌گیری‌های ذهنی خود، چیزهایی را می‌بینند، که "باید" ببینند ترکیب شناخت‌ها (اعتقادات و باورها)، احساسات (هیجانات و عواطف) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیده‌های معین و دیگران در چگونگی کنش و واکنش ما تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد (نظری، ۱۳۹۱).

مردم ایران در تجربه طولانی زندگی جمعی خود دارای حافظه تاریخی مشترکی هستند که در آن افتخارات و رنج‌های مشترک، شکست‌ها و موفقیت‌های بزرگ، و به‌طور کلی یک جغرافیای تاریخی همیشه رقم خورده است. در این میان، نقش ادراکات و تصورات متقابلی که گروه‌ها از یکدیگر دارند، یکی از عوامل تعیین‌کننده در تقویت و یا تضعیف مبانی زمینه‌های عینی و ذهنی همگرایی و همبستگی ملی می‌باشد. در شرایط کنونی، تفکرات قالبی و پیشداوری‌ها در مناسبات بین افراد، طوایف، اقوام و گروه‌های ایرانی نقش موثری ایفا می‌کند و فهم دقیق ابعاد و زوایای این مسئله می‌تواند ما را در رفع بسیاری سوءتفاهم‌ها و تحکیم مبانی هویت ملی و رفع زمینه‌های بهره‌برداری نیروهای بیگانه بیش از پیش یاری کند (نظری، ۱۳۹۱).

در مقایسه با فرضیه و سوالات این پژوهش، نتایج نشان می‌دهد که همه چهار قومیت ترک، فارس، کرد و لر در هر چهار موقعیت ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی و دوستی قومیت خود را به قومیت‌های دیگر ترجیح می‌دهند و نسبت به قومیت‌های دیگر پیشداوری دارند. به این ترتیب فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود که با نظریه گروه خودی - غیرخودی کتز و برلی (۱۹۳۳) کاملاً همخوان است. در این راستا پیشداوری نسبت به فارس‌ها از همه کمتر و نسبت به قوم لر از همه بیشتر بود. افراد متعلق به قومیت ترک، کرد و لر در همه موقعیت‌های مورد مطالعه، ابتدا قوم خود را ترجیح می‌دهند و سپس نسبت به قومیت فارس پذیراتر هستند. اما قوم فارس در همه موقعیت‌ها

قومیت خود را ترجیح داده و نسبت به سایر اقوام دارای پیشداوری است؛ که این موضوع با توجه به جایگاه اکثریت فارس‌ها دور از انتظار نیست. شاید بتوان بخشی از این ترجیح و پیشداوری را براساس اشتراکات فراوانی که افراد متعلق به همه قومیت‌ها با یکدیگر دارند، توجیه کرد. بالمر<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) گروه قومی را جمعی می‌داند که درون جامعه بزرگ‌تر، دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تاکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی است که براساس آن هویت گروه تعریف شده است. از جمله این نمادها خویشاوندی، مذهب، ملیت و ظاهر فیزیکی مشترک است. علاوه بر این‌ها اعضای گروه از تعلقشان به گروه قومی آگاهی دارند؛ و همه این‌ها موجب تشکیل یک گروه خودی منسجم و مرزبندی‌های بین اقوام می‌شود. از نظر تاجفیل (۱۹۸۲)، صرف طبقه‌بندی باعث به وجود آمدن پیشداوری می‌شود. به عبارتی ادراک محض تعلق داشتن به دو گروه مختلف کافی است تا تبعیض بین گروهی را به سود گروه خودی برانگیزد. نتایج به دست آمده در تأیید فرضیه اصلی، با نتایج اکثر پژوهش‌های پیشین مانند آشدون<sup>۲</sup>، گیونز<sup>۳</sup>، هکادورن<sup>۴</sup>، هاروی<sup>۵</sup> (۲۰۱۱)، آنتونن<sup>۶</sup> (۲۰۰۸)، باقریان و حمزوی (۱۳۹۱)، یوسفی و اصغریور ماسوله (۱۳۸۸)، شادرو و محمدزاده (۱۳۹۰)، عبداللهی و قادرزاده (۱۳۸۲)، چلیبی (۱۳۷۸) همخوان است. در همه این پژوهش‌ها به نحوی به وجود پیشداوری بین قومیت‌ها اشاره شده است.

شاید بتوان پیشداوری قوم فارس نسبت به سایر اقوام را با نظریه سلطه اجتماعی توضیح داد. در نظریه جهت‌یابی سلطه اجتماعی، یک نگرش ذهنی اجتماعی و عمومی، دخیل در باورهای پیشداورانه تلقی می‌شود. در این نظریه، افراد براساس خواسته آن‌ها برای پویایی‌های میان‌گروهی سلسله مراتبی متمایز می‌شوند، یعنی براساس خواسته آن‌ها در برتری گروه خودی بر گروه‌های غیرخودی (لوی<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹). هر قدر فرد به میزان بیشتری خواهان برقراری و استمرار برتری طلبی گروه خویش باشد، احتمالاً بیشتر دارای باورهای پیشداورانه است. سیدانیوس<sup>۸</sup> (۱۹۹۷) متذکر شده است که جهت‌یابی سلطه اجتماعی، روی هر رفتار یا نگرش میان‌گروهی تأثیر دارد. فارس‌ها از نظر جمعیتی اکثریت را در کشور تشکیل می‌دهند و به نحوی از بعضی جهات دارای سلطه اجتماعی هستند و گویی هم خود و هم دیگران به این باور رسیده‌اند که از دیگران برترند. رسمی شدن زبان فارسی و مذهب شیعه که بیشتر منسوب به فارس‌هاست نیز در به وجود آمدن این تصور بی‌تأثیر نبوده است. به گونه‌ای که اکثر اقوام در تعاملات ازدواج، همسایگی، همکاری و دوستی قوم فارس را بعد از قوم خود قرار می‌دهند و نسبت به آن‌ها تفکرات قالبی منفی و پیشداوری کمتری دارند. حتی

<sup>1</sup> Bulmer

<sup>2</sup> Ashdown

<sup>3</sup> Gibbons

<sup>4</sup> Hackathorn

<sup>5</sup> Harvey

<sup>6</sup> Anttonen

<sup>7</sup> Levy

<sup>8</sup> Sidanius

گاه دیده می‌شود فردی ازدواج با فارس‌ها را به ازدواج با قومیت خود ترجیح می‌دهد. از طرفی می‌توان از این دیدگاه نیز به موضوع نگاه کرد که بقای یک گروه اشاره به توانایی‌های بیشتر و برتری آن‌ها دارد. به نظر می‌رسد فارس‌ها انعطاف‌پذیری و پذیرش بیشتری نسبت به وقایع، آداب و رسوم و افکار دارند. از طرفی انعطاف‌پذیری شاید به دلیل سال‌ها اکثریت بودن فارس‌ها باشد که موجب تعاملات بهتر با سایر اقوام شده است و اقوام فارس‌ها را بعد از قومیت خود بیشتر ترجیح می‌دهند. شاید همین ویژگی به آن‌ها در پیشرفت و همگام شدن با تغییرات کمک می‌کند. در حالی که سایر قومیت‌ها پایبندی بیشتری به عقاید، آداب و رسوم و اصول خود دارند.

گاهی نیز پیش‌داوری‌ها و تفکرات قالبی باعث می‌شود افراد متعلق به اقلیت از اعتمادبه‌نفس کمتری برخوردار باشند، این موضوع موجب آمادگی کمتر افراد برای یادگیری‌های جدید و کاهش ریسک‌پذیری در آن‌ها می‌شود؛ در نتیجه فرد ناگزیر از یادگیری‌های پیشین و پیش‌داوری‌های قدیمی استفاده می‌کند. پیش‌داوری‌ها نیز اشتباه در قضاوت و به دنبال آن احتمالاً تبعیض را به دنبال دارند. از طرفی داشتن روحیه خطرپذیری یکی از شرایط رسیدن به موفقیت‌های بزرگ است، ریسک‌پذیری پایین باعث عقب‌نشینی جهت رسیدن به اهداف‌شده و این چرخه معیوب همچنان ادامه می‌یابد. اینجاست که پیش‌داوری اثرات مخرب خود را بر گذشته، حال و آینده یک قوم نشان می‌دهد.

رتبه‌بندی پیش‌داوری در موقعیت‌های ازدواج، همسایگی، همکاری شغلی و دوستی نتایج جالبی در پی داشت. پیش‌داوری در ازدواج به‌طور معناداری بیشتر از سایر موقعیت‌ها، و در دوستی کمتر از دیگر موقعیت‌ها بود. به نظر می‌رسد ارتباط دانشجویان با یکدیگر در محیط دانشگاه و خوابگاه بر روابط دوستی آن‌ها تأثیر گذاشته است، ولی آن قدر عمیق نبوده که بر پیش‌داوری افراد در ازدواج هم تأثیر بگذارد. بسیاری از افراد مشکل چندانی با همسایگی، دوستی و همکاری با اقوام دیگر ندارند اما به ازدواج که می‌رسند خط و مرزها دقیق‌تر و پیش‌داوری‌ها بیش از پیش نمودار می‌شوند. شاید به این خاطر که در مورد ازدواج فرد باید اشتراکات بیشتری با طرف مقابل خود داشته باشد؛ اشتراکاتی که در سایر تعاملات الزامی نیست. از طرفی ازدواج قراردادی است که نه تنها خود فرد بلکه خانواده‌ها را نیز درگیر می‌کند و محدودیت‌های بیشتری در مورد آن وجود دارد؛ از جمله درگیری و مدت زمان بسیار طولانی‌تری که نسبت به سه موقعیت دیگر دارد، و همه این موارد افراد را به احتیاط بیشتر در ازدواج با سایر قومیت‌ها ترغیب می‌کند. به وجود آمدن فرزندان و مسائل مربوط به آن هم از مسائلی است که خواه ناخواه بعد از ازدواج مطرح می‌شود. اقوام مختلف اصول متفاوتی درباره تربیت فرزندان به کار می‌برند، اختلاف در این مورد نیز زمینه‌ساز مشکلات بیشتری خواهد بود. در این مورد فکوهی (۱۳۸۱) به این نتیجه دست یافت که افراد ترجیح می‌دهند در انتخاب همسر براساس ملاک‌های قومی عمل کنند که با نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر همخوان است. در حالی که امیدی و رضایی (۱۳۸۹) در پژوهش خود دریافتند که اکثریت پاسخ‌دهندگان حاضر بودند با افرادی خارج از منطقه خود ازدواج کنند؛ و این تمایل بیشتر در ترک‌ها و عرب‌ها دیده شد تا کردها و بلوچ‌ها.

از دیگر نتایج به دست آمده این بود که زن‌ها نسبت به مردها پیشداوری بیشتری نشان دادند، و این پیشداوری در سه تعامل ازدواج، همسایگی و دوستی معنادار بود. اما در همکاری شغلی چنین نتیجه‌ای مشاهده نشد. پیشداوری بیشتر زن‌ها را می‌توان به انتخاب‌های محدودتر آنان به‌ویژه در مورد ازدواج مرتبط دانست. شرایط اجتماعی موجود به زنان حق انتخاب کمتری در ازدواج و سایر رابطه‌ها می‌دهد. در مقابل طاهرپور (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این مطلب اشاره می‌کند که مردان نسبت به زنان پیشداوری بیشتری نشان داده‌اند. و نکته قابل توجه اینجاست که پژوهش مذکور، پیشداوری نسبت به کارگران افغان را سنجیده است. به عبارتی تعامل شغلی را بررسی شده است. به نظر می‌رسد درگیری بیشتر مردان در این موقعیت، علت پیشداوری بیشتر آن‌ها بوده است.

از نظر استفان (۱۹۸۵)، برای اینکه تماس بین گروه‌ها باعث بهبود روابط شود باید سیزده ویژگی فراهم شود. اگر از دیدگاه استفان به موضوع این مطالعه بنگریم، فراهم نبودن شرایط سیزده‌گانه را می‌توان دلیلی بر بی‌تاثیر بودن متغیر مدت معاشرت در پیشداوری دانست. به عبارتی حتی در موقعیت ایده‌آل هم هیچ‌گاه این شرایط به‌طور کامل وجود ندارد. اما می‌توان با تدابیری مانند فراهم نمودن فعالیت‌های گروهی و اشتراکی، از بین بردن رقابت، برابری تعداد افراد در گروه‌ها، بالا بردن آگاهی و آشنا کردن اقوام با اصول و ارزش‌های دیگر قومیت‌ها و بسیاری راه‌کارهای دیگر، پیشداوری و در ادامه تعصب و تبعیض را کاهش داد؛ در نتیجه افراد کمتر به عنوان گروه‌ها و طبقه‌های اجتماعی (قوم) طبقه‌بندی می‌شوند. به عبارتی پیچیدگی ادراکات بین‌گروهی افزایش پیدا می‌کند. این عمل به معنای تمیز دادن بیشتر و استفاده از عناوین خاص به جای عناوین کلی است. در نهایت طبقه‌زدایی شکل می‌گیرد، طبقه‌زدایی هنگامی است که افراد با اعضای گروه غیرخودی براساس ویژگی‌های فردیشان ارتباط برقرار می‌کنند، نه براساس طبقه‌هایی که در آن قرار دارند؛ یعنی ارتباط بین‌فردی است، نه بین‌گروهی (گودی‌کانست<sup>۱</sup>، ۱۳۸۳). در این رابطه می‌توان به چند پژوهش اشاره کرد. به عنوان نمونه کاواباتا<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) به این نتیجه دست یافت که تنوع کلاس بر دوستی‌های بین‌قومی تاثیر می‌گذارد و آزار و اذیت‌های فیزیکی را کاهش می‌دهد و باعث افزایش حمایت همسالان می‌شود. طاهرپور (۱۳۸۴) نیز بیان کرده است که کارمندان دارای تماس مستقیم با افغان‌ها نسبت به کارمندان بدون تماس با افغان‌ها پیشداوری بیشتری نشان دادند. و در ادامه یوسفی و اصغریپور ماسوله (۱۳۸۸) به تاثیر مجاورت مکانی بر روابط بین‌قومی اشاره کرده است؛ هرچند جهت این تاثیر را مشخص نکرده است.

نتایج نشان داد که سازگاری پیش‌بین مناسبی برای پیشداوری نیست. علاوه بر این بین سازگاری و جنسیت رابطه‌ای مشاهده نشد. که این نتیجه با نتایج خدایپناهی (۱۳۸۴)، افشارنیاکان (۱۳۸۱)، سهرابی‌ان (۱۳۷۹)، آخوندی (۱۳۷۶) همسو است؛ ولی با نتایج مطالعه میکائیلی‌منیع (۱۳۸۸) و لویکس (۲۰۰۷) ناهمسو است. این محققان سازگاری اجتماعی را در دختران بیشتر از پسران

<sup>۱</sup> Gudykunst

<sup>۲</sup> Kawabata

گزارش کردند. همچنین نتایج با پژوهش اکبرزاده (۱۳۷۱) که در نتایج خویش به تفاوت معنادار سازگاری اجتماعی در دختران و پسران دانش‌آموز ابتدایی اشاره کرده است ناهمخوان می‌باشد. در این مورد امکان دارد که تفاوت مشاهده شده در دوران کودکی، با فرایند اجتماعی شدن و رشد آگاهی‌های فردی و امکان حضور برابر در مراکز آموزشی و دیگر عرصه‌های اجتماعی کاهش یافته است.

لازم به ذکر است اجرای هر پژوهش با محدودیت‌های خاص خود روبروست، پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنا نبود. در پژوهش حاضر، مطالعه پیش‌داوری و سازگاری به چهار قوم ایرانی ترک، فارس، کرد و لر محدود شده است. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه شهید بهشتی بودند که مسلماً نمی‌توانند معرف جامعه کلی باشند. در این پژوهش وضعیت اقتصادی شرکت‌کنندگان در نظر گرفته نشده است؛ که می‌تواند در مطالعات بعدی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به تعدد و تنوع اقوام ساکن در ایران و به منظور مطالعات دقیق‌تر و افزایش توان تعمیم نتایج لازم است که این مطالعه در میان دیگر اقوام ایرانی نیز انجام شود. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه شهید بهشتی بودند. پیشنهاد می‌شود برای افزایش توان تعمیم نتایج به جمعیت کلی، این تحقیق در نمونه‌های بزرگتر و وسیع‌تر انجام شود. پیشنهاد می‌شود از خوابگاهی و غیرخوابگاهی بودن دانشجویان نیز به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین استفاده شود. مقایسه این شرایط بی‌شک نتایج جالبی در پی خواهد داشت. انجام این پژوهش در دانشجویان قومیت‌های متفاوت که ساکن شهرهای خودشان هستند نیز پیشنهاد می‌شود.

## منابع

- آذربایجانی، م و دیگران. (۱۳۸۲). روان‌شناسان اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.
- آقامحمدیان شهرباف، ح. (۱۳۷۴). بررسی اثربخشی دو روش درمانی گروهی با رویکرد تحلیل روانی و شناختی بر افزایش سطح پنج مقوله سازگاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- امیدی، ع. رضایی، ف. (۱۳۸۹). ابعاد سیاسی جهانی شدن و قومیت در ایران. دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره هشتم، ۱۴۱-۱۷۰.
- باقریان، ف. حمزوی، ف. (۱۳۹۱). آن‌گونه که ما یکدیگر را می‌بینیم. ارائه شده در کنگره بین‌المللی روانشناسی در کیپ تاون، جولای ۲۰۱۲.
- باقریان، ف. حیدری، م. خضریان، ا. (۱۳۸۹). غرور ملی در میان اقوام ایرانی. فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۱، ۳۷-۵۶.

- بدار، ل. دزیز، ژ. لامارش، ل. (۱۹۹۹). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشرساوالان.
- چلی، م. (۱۳۷۸). هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران. تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- خداناهی، م. خاکسار بلداجی، م. (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان. مجله روانشناسی، سال نهم، شماره ۳، ۳۱۰-۳۲۰.
- سرمد، ز. بازرگان هزندی، ع. حجازی، ا. (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق در علوم تربیتی. تهران: نشر آگاه.
- شادرو، م. محمدزاده، ح. (۱۳۹۰). عوامل موثر بر پیوستگی و گسستگی قوم‌مداری سیاسی. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۵۴، ۲۰۲-۲۳۴.
- طاهرپور، ف. (۱۳۸۴). مطالعه مقایسه‌ای پایه‌های فردی، شناختی و انگیزشی پیشداوری نسبت به مهاجران افغان. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۸، شماره ۳ و ۴، ۹-۲۹.
- عبداللهی، م. قادرزاده، ا. (۱۳۸۲). فاصله قومی و عوامل موثر بر آن در ایران. دو فصلنامه آینه میراث، شماره ۲۳.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، ۱۲۷-۱۶۱.
- گودرزی، ح. (۱۳۸۴). گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران. تهران: موسسه مطالعات ملی.
- گودیکانست، و. بی. (۱۳۸۳). پیوند تفاوت‌ها: راهنمای کارآمد بین‌گروهی. ترجمه علی کریمی (مله)، مسعود هاشمی؛ تهران: موسسه مطالعات ملی، انتشارات تمدن ایرانی.
- میکائیلی منیع، ف. (۱۳۸۸). نقش سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه با باورهای غیرمنطقی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دانشگاه ارومیه. فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره سوم، شماره چهارم، ۴۵-۵۴.
- نظری، ع. (۱۳۹۱). احساس تعلق هویتی و نقش آن در شکل‌گیری تصورات قالبی در پیشداوری: ارزیابی پیمایشی. فصلنامه مطالعات ملی، ۴۹، سال سیزدهم، شماره ۱، ۵۹-۸۰.
- یوسفی، ع. اصغرپور ماسوله، ا. (۱۳۸۸). قوم‌مداری و تاثیر آن در روابط میان اقوام ایران. دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱، ۱۲۵-۱۴۴.

Anttonen, R. (2008). Trust formation and experiences of prejudice and discrimination of/from entrepreneurs in finland. Journal of enterprising community. Vol 2.No. 2. 2008. 124- 139.

Ashdown, B. K. Gibbons, J. L. Hackathorn, J. Harvey, R. D. (2011). The influence of social and individual variables in guatemala. *Psychology*. 2011. Vol2. No 2. 78-84.

Dovidio, J. F. Geartner, S. L. Saguy, T. (2009). Commonality and the Complexity of "we": Social Attitudes and Social Change. *PSPR*, VOL. 13 NO.1, February 2009. 3-20.

Downloaded from <http://psr.sagepub.com>.

Forsyth, D. R. (1990). *Group dynamics* (2<sup>nd</sup> edition). Pacific Grove, ca: books cole.

Kawabata, Y. (2009). *The significance of cross-racial/ethnic friendships: associations with peer victimization, social-psychological adjustment, and classroom diversity*. ProQuest LLC.

Levy, S. R. (1999). *Reducing prejudice: Lessons from social cognitive factors underlying perceived differences in prejudice*. *Journal of Social Issues*.